

مکانیزم ماشه یا دوراهی تاریخی ایرانیان

امید متین- مکانیزم ماشه فعال شد. تحریم های متعدد بازگشت و در نگاه اول، اقتصاد ایران را هدف قرار داده و قرار است آن را فلج کند. این که مکانیزم ماشه کنونی می تواند به رغم شکاف هایی که برداشته و ترک هایی که خورده است و از اجماع جهانی در عمل خارج شده است، می تواند چنگ بر گلولی اقتصاد ایران بگذارد و این که ایران چه ترغدها و تردهستی هایی برای دور زدن مجدد این تحریم ها به کار می گیرد، اکنون موضوع بحث ما نیست؛ کما این که می توان گفت تحریم بین المللی اگر قرار بود موفق باشد و ایران را به زانو در بیاورد، همان دوره ماشه اول بین سال ها ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ موفق شده بود. در دوره اول ماشه، همه جهان علیه ایران بودند و وجه بین المللی تحریم واقعا نمود داشت. اما این بار، در حالی ماشه فعال می شود که در عمل، اجماع بین المللی علیه ایران وجود ندارد.

علاوه بر هم خوردن اردوگاه تحریم بین المللی، جنگ ۱۲ روزه که ماهیت پلید رژیم صهیونیستی را مشخص کرد، باعث نزدیکی بسیاری از کشورها به ایران شده و شکاف تحریم بین المللی را بسیار زیاد کرده است که به نحوی که در تحقق عملی و گسترده آن به طور جدی شک و تردید وجود دارد. برخی کشورها که عملا و رسما با مکانیزم ماشه و تحریم مخالفت کرده اند. مانند روسیه و چین و برخی کشورهای دیگری که به تحریم یک طرفه اعتقادی ندارند. علاوه براین، باید دقت نظر داشت که تحریم های مکانیزم ماشه، سال هاست که علیه ما در جریان است و تحریم برای ما چیز جدیدی نیست. تقریبا تمامی بخش های اقتصادی ایران سال هاست تحریم است و مکانیزم ماشه چیز خاصی به آن نخواهد افزود. ضمن این که پیش از این عملا از سوی آمریکا و اروپا تحریم بودیم و اکنون همچنان از سوی آمریکا و اروپا تحریم هستیم با این تفاوت که اردوگاه اروپایی هم دیگر آن انسجام گذشته را ندارد.

ادامه در همین صفحه

سنت تحلیل می کند:

جامعه دریایی نیازمند پرچم دار فرهنگی

«فرهنگ دریا»
غریب و تنهاست

۳

سنت از صدور کیفرخواست قاچاقچیان بندر کلاهی گزارش می دهد:

زخم قاچاق سوخت بر پیکره هرمزگان

۶۰همت جزای نقدی در انتظار ۱۶۶متهم سوخت بندر کلاهی

۵

ادامه از همین صفحه

مواضع جدید و البته باورنکردنی کشوری مانند اسپانیا در برابر رژیم صهیونیستی شاهد مثال بزرگی است که نشان می دهد، مکانیزم ماشه به تندی و قدرت مکانیزم قبلی نیست و نمی تواند اثر مخرب و تاثیر گذار داشته باشد.

البته این بدان معنا نیست که هیچ اثری نخواهد داشت. حداقل تاثیر مکانیزم ماشه، آثار روانی و روان پریشی بازار است که به سرعت خود را نشان داده است؛ اما این اثر روانی، به مرور زمان به نقطه تعادل نسبی باز خواهد گشت.

تدابیر جمهوری اسلامی برای دورزدن تحریم ها که طی سالیان دراز، به خبری و چیرگی رسیده است، نقطه توجه دیگری است که نباید از آن غافل بود.

دو راهی سرنوشت ساز

با تمام این ها، فرض را بر این بگذارید که مکانیزم ماشه به قدرت و شدت و حدت هر چه بیشتر کار می کند و اقتصاد ما را دچار ناتوانی و بحران می کند. گرانی روز افزون می شود و منابع به حداقل می رسد. چه باید کرد؟ دو راه بیشتر پیش روی نداریم:

یا باید مقاومت کنیم و با حداقل ها کشور را به پیش برانیم و صف دشمن را در نهایت بشکنیم و یا باید تسلیم شویم.

کدام راه را باید برگزید؟

تحریم حربه دشمن است

می دانیم که در تحریم گناهی نداریم. می دانیم که دشمن، حیث فرهنگی و هستی سرزمینی ما را هدف قرار داده است. می دانیم که این جنگ اقتصادی را دشمن آغاز کرده است و گر نه ما خواهان آن نبوده و نیستیم. و می دانیم که این جنگ دشمن برای آن است که از ما باج بخواهد و باج بگیرد. یا باید تسلیم شویم و باج دهیم و یا سر تسلیم فرود نیاوریم. کدام راه را برگزینیم؟

می دانیم که اگر تسلیم شویم، لیبی دوم خواهیم شد. می دانیم اگر دست از قدرت هسته ای و موشکی خود برداریم، ما را مانند گوسفند دست و پا می بندند و رو به هر قبه ای که دلشان خواست ذبح می کنند.

می دانیم که همین برنامه برای لیبی اجرا شد. ابتدا هسته ای و سپس موشکی آن را نابود کردند و سپس با آتش جنگ، تمام لیبی را طوری سوزاندند که دیگر آن لیبی سابق نخواهد شد.

می دانیم که در صورت تسلیم، سرنوشتی مانند سوریه در انتظار ماست. قدرت نظامی که بشکند، یکی از شمال می آید و یکی از جنوب و یکی از غرب و یکی از شرق و سراسر کشور تاریخی ایران را عرصه تاخت و تاز خود قرار می دهند. می دانیم که در تسلیم، نه تنها شکم ما سیر نمی شود، بلکه حیث و ابروی ایرانیان و هستی سرزمینی ما هم از بین می رود. این ها را به خوبی می دانیم. کدام راه را برگزینیم؟

می دانیم که هدف دشمن، یک ایران تجزیه شده است. هدف دشمن یک ایران دست و پا بسته است. یک ایران مانند جنگ جهانی که از شمال و جنوب به راحتی آب خوردن تصرف و تقسیم شد. می دانیم که دلشان برای ما نمی سوزد و مانند قحطی دوره رضاخانی اگر میلیون ها ایرانی از گرسنگی بمیرند، آن ها کک شان نخواهد گزید. این ها را به خوبی می دانیم و در طول تاریخ تجربه کرده ایم و باز می پرسیم: کدام راه را باید برگزید؟ تسلیم یا مقاومت؟

راه کارها:

می دانیم که در این جنگ تحمیلی جدید، هیچ راهی جز مقاومت نداریم. که اگر ایران نباشد تن من مباد. بدین مرزو و بوم یک زنده تن مباد. اگر این شعار عقلی و قلبی ماست که هست، باید به فکر مقاومتی جانانه و قوی تر از جنگ هشت ساله و قوی تر از جنگ ۱۲ روزه باشیم.

تکیه به مدیران موفق بخش خصوصی

یک راه کار مطمئن، تکیه بر بخش خصوصی است. قانون دست و پا گیر را هر چه زودتر برداریم. دست و بال بخش خصوصی را باز کنیم و از اقتصاد بی نتیجه دولتی فاصله بگیریم.

توزیع دقیق منابع

نقصان بزرگ ما در توزیع داشته هاست. تدبیر عملی و سریع برای رفع نقصان های توزیع چه در سطح کلان در بنادر و چه در سطح خرد و تحویل کالا به مصرف کننده نهایی و حذف واسطه ها، می تواند قدرت مقاومت اقتصادی ما را افزایش دهد.

توجه به فشر آسیب پذیر

اقتشار کم در آمد را باید با نظام فکری سوسیالیستی مورد حمایت قرار داد. توزیع با کالا برگ نمونه این کار مهم و ارزشمند است. نباید به پاره گویی ها توجه کرد و انگ زدن ها نباید کار را به بیراهه بکشاند. اگر نیاز شد، تمام کشور را باید با تعرفه و کالا برگ تجهیز کرد. اگر نیاز شد باید همه چیز را جیره بندی کرد. درست مانند جبهه جنگ. که این واقعا یک جنگ است و نمی توان در جنگ انتظار امن و آسایش داشت.

اگر قرار بر مقاومت باشد، اگر قرار باشد که سر تسلیم فرود نیاوریم، مجبوریم با مکانیزم ماشه و امثال این ماجراها مردانه بایستیم و مبارزه کنیم. استقلال و تمامیت ارضی بی بها به کسی نمی دهند. مقاومت، بها دارد. حفظ استقلال فرهنگی و شخصیت ایرانی و مرز ایرانی بها دارد. و ما باید برای تدوام ایران قوی و سربلند، بهای لازم را بپردازیم. این جنگی است که به ما تحمیل کرده اند. یا تسلیم شویم یا سختی بکشیم. راه دیگری برای ما باقی نگذاشته اند.

به هر روی، تاریخ تکرار می شود. جنگ دوباره آغاز می شود و در این مسیر، به قول دکتر چمران: شبیور جنگ. آن جا که مرد را از نامرد تشخیص می دهند. و مردان مسرد راه مقاومت و پیروزی در بسر می گیرند و رویه صفان ترسوس، خودباختگی می کنند. شرافت را به شکم می فروشند. تسلیم می شوند زیرا اراده ای برای سربلندی ندارند. در این مسیر هم نیاز باشد باید از جان گذشت. در مسلخ عشق باید مردانه رقصید. جایی برای عقب نشینی نیست. جایی برای فرار نیست. جز مقاومت و پیروزی هیچ سرنوشتی برای ایران و ایرانی ارزش ندارد. دوباره باید در مسلخ عشق رفت... به قول خاقانی:

در مسلخ عشق جز نکور آنکشد

رویه صفان زشت خود را نکشد

گر عاشق صادقی ز کشتن مگریز

مردار بود هر آن که او را نکشد.

